

نویسنده: م، نعیم بارز

تاریخ ۲۳/۰۳/۲۰۰۸

## قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات و نکات قابل تذکر در ارتباط به نوشته آقای نکته دان!

نوشته محترم محمود نکته دان، راجع به قیام ۲۴ حوت ۱۳۵۷ مردم باشهامت هرات که از خیانت و جنایات خلق و پرچم و حامیان روسی شان یادی نموده است، کاری بجا و ذکر چنین رویداد های تاریخی ضروریست ولی آنچه در اینگونه رویداد ها مهم و آموزنده پنداشته می شود، برملا ساختن جهات مثبت و منفی آن میباشد، تنها ذکری از شجاعت و خصلت مذهبی قیام کنندگان و وحشت و قساوت سرکوب کنندگان قیام چندان درسی برای نسل های آینده کشور بر جا نمی گذارد. در آن رویداد تاریخی چه بصورت خود جوش و چه رهبری شده بوده باشد مهم آنست که نکات مثبت و منفی آن مطرح شود که بخصوص در آینده بار دیگر اشتباهات تکرار نشود، مثلاً باید نشان داده می شد که دست آورد قیام مزکور چه بوده؟ آیا از بین بردن چند نفر روسی و مزدوران داخلی شان ارزش کشته شدن بیست و پنج هزار انسان بیگناه را داشت؟ در تاریخ هر کشوری بارها دیده شده که توده های تحت تبلیغ و تلقین به مستی و بیخودی قرار گرفته و بیش از حد مرتکب قتل و قتل شده و هزاران کتاب و آثار گرانبهای هنری و تاریخی را ویران و نابود کرده اند اما اینرا هم باید گفت، اصالتاً توده های انسانی جنایتکار نیستند، اگر درست رهبری شوند کارهای نیک و قهرمانانه از خود بر جا میگذارند، چون از خصلت توده ها گفتیم اینطور تعبیر نشود که روشنفکران گل بی خار هستند، گاهگاهی به اصطلاح روشنفکران بیشتر از توده ها راه انحراف و مکتب ها و نظام های توتالیتر را در پیش گرفته اند و مرتکب خیانت و جنایات بیشماری شده اند که میتوان از هیتلر، استالین و پول پوت نام برد. در کشور خود حفیظ الله امین، ببرک کارمل، گلبدین حکمتیار، دوستم، سیاف و... را میتوان مثال آورد که شهرها را ویران و هزاران مردم بیگناه خود را بخاک و خون کشیدند، ملا عمر رهبر طالبان نیز با کشتار زیاد مردم و ویرانی بت بامیان شهکار جنایت فرهنگی را از خود بر جا گذاشت که تا هنوز هم از کشتار مردم و ویرانی مکتب و غیره دست نکشیده است. چون در کشور ما آغازگر جنگ و بی ثباتی پیروان مکتب کمونیزم بوده جا دارد قدری بیشتر از عملکرد شان یاد آور شویم:

پیروان مکتب مذکور سالها در کار تبلیغاتی شان در میان قشر با سواد و مردم عادی می گفتند که تاریخ افغانستان و جهان ساخته و پرداخته دست توده ها بوده، پادشاهان و نخبگان مردان ظالم، استثمارگر، طفیلی و سر بار جامعه بوده اند و شرکتی در ساختن فرهنگ و تمدن نداشته اند، در اثر این نوع تبلیغ و القاء که اساساً از زمان انقلاب ۱۷ اکتوبر ۱۹۱۷ در روسیه آغاز گردید گفته می شود که جنون قدرت خواهی انقلابیهای کمونیست چنان حالتی را در آن کشور بوجود آورد که گفته می شود در دوران زعامت ستالین با قتل عام های متعدد بیش از سی میلیون انسان جان باختند.

در انقلاب چین بخصوص در انقلاب فرهنگی آن توده پرستان و توده های که تحت تلقین و تبلیغات انقلابی قرار گرفته بودند انسان های بیشماری را به قتل رساندند و هزاران کتاب ارزشمند را به آتش کشیدند و آثار گرانبهای هنری و تاریخی را ویران و نابود کردند، البته صدای اعتراض میلیون ها انسان منجمله بخشی از اعضای حزب

کمونیست به رفتار غیر انسانی آنها بالا گرفت اما در آن وقت مائوتسه دون بحیث رهبر و پیشوای انقلاب که توده ها را منبع هر نوع خلاقیت و رفتار و کردار نیک می دانست در برابر اعتراض مردم با بکار بردن چنین کلماتی که در چین توده ها انقلاب کرده اند و انقلاب مجلس مهمانی و محفل عروسی و ... نیست عمل کشتار و اذیت و آزار آنها را ستود و گفت عمل توده های انقلابی یک امر طبیعیت، حق آنهاست که بخاطر تسکین رنجها و محرومیت های تاریخی شان دست به چنین اعمالی بزنند، او اعتراض همه را در گلو خفه کرد.

کمونیست های افغانستان هم که خود تحت تاثیر چنین آموزش و تلقین قرار گرفته بودند در میان مردم به تبلیغ می پرداختند و تا هنوز هم همین حرفها و فلسفه ها را می گویند و برای نشان دادن حقانیت گفته های شان نقل قول های را از رهبران فکری و انقلابی ها از اینجا و آنجا ارائه میکنند، گرچه بعد از شکست کمونیسم شوروی سابق در افغانستان و شکست و رسوائی تنظیم ها خوشبختانه هستند هوشمندانی که صادقانه این لباس فریب را از تن خود بدر کرده اند و با شجاعت قابل تحسین عکس آنرا میگویند. با این حال تاثیر افکار لنین در انقلاب روسیه و تاثیرات آن در سطح جهان، همچنان تاثیر سخنرانی و تلقینات امام خمینی در بر انگیزتن و به هیجان آوردن مردم در انقلاب ایران و بالعکس تاثیر گاندی که با یک سخنرانی کوتاه در مقابل یک اردوی پر هیجان چند هزاری میتوانست آنها را آرام کند و خلع سلاح نماید. خلاصه قدرت ایده ها چون هاله ای می درخشد و هر حرکت انسان های مثل اینها پیروان شان را به حرکت در می آورد و هر حرف شان مردم را مسحور میکند.

آقای نکته دان گفته است، کسانی که خیانت و جنایاتی را در حق ملت افغانستان روا داشته اند مردم آنها را شناخته، دیگر کردار شان را فراموش نمیکند، بهر لباس و هر رنگی که بخواهند با زد و بند با دولت های بیگانه به قدرت برسند و ظلم و ستم گذشته را تکرار نمایند مجال نخواهند یافت اما آنچه به واقعیت امروز شاهد آن هستیم خلاف نظر آقای نکته دان مردم در اثر عدم آگاهی لازم و نبود سازمانها و نهادهای مردمی و دیموکراتیک در انتخابات لویه جرگه ها و ولسی جرگه بر اساس انگیزه های مذهبی، قومی و اندک منفعت آنی و زودگذر، گذشته را فراموش کرده خلاف منافع همگانی و دایمی خود به همان کسانی رای دادند که در گذشته نه چندان دور مسؤول قتل هزاران هراتی، ده ها هزار مردم کابل و دیگر شهرها و روستا های کشور بوده اند و در یک جمله همان مزوران دولت های بیگانه و دشمن جان و ناموس خود را به نمایندگی خود انتخاب کردند، که همین اکنون در دولت به غیر از چور و چپاول و توطئه و خیانت علیه کشور و منافع ملی کار مثبت دیگری ندارند.

یک نکته دیگر راهم می خواهم به خدمت آقای نکته دان برسانم، آنزمان که مردم علیه دولت های خودی و اشغالگران خارجی قیام می کردند با شمشیر در برابر شمشیر و یا با چوب و تفنگ علیه تفنگدار می رزمیدند و شانس پیروزی هم داشتند اما در دنیای امروز که ابزارهای کشتار جمعی و نیروی هوایی بوجود آمده و میتواند در چند دقیقه هزاران انسان را بقتل برساند، باید بپذیریم که دوران قیام های مردمی سپری شده و کارساز این دوران نیست ولی در این دوران هم میتوان با استراتژی و تاکتیک های جدید علیه بزرگترین قدرتهای نظامی مثل شوروی سابق جنگید و با تلفات کمی پیروز هم شد.

در اخير اميد است نکات ياد شده بالا روشنگر آن باشد تا مردم ما بيش از اين به راه و روند های انقلابی و مکتب ها و ايديئولوژی های تغيير نا پذير که در اثر نفهمی و يا حيله گرانه عنوان می شوند فریب آن را نخورند و تیشه به ریشه خود، مردم خود و کشور خود نزنند. بااحترام

پایان